

نقش باورهای ارتباطی در کارکرد خانواده و سازگاری زناشویی

باورها، شناخت ها و اسطوره‌های موجود در اذهان افراد از جمله زوجین در نحوه ارتباطات آنان تاثیر گذار است. شناخت این باورها و تاثیر آنها در کارکرد خانواده و سازگاری زناشویی و تداوم این ارتباط را نمی‌توان نادیده گرفت. از این رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش باورهای ارتباطی در کارکرد خانواده و سازگاری زناشویی زوجین مراجعه کننده به دادگاه خانواده در مجتمع قضایی خانواده شهر تهران صورت گرفت.

بدین منظور، ۲۰۰ نفر از زوجینی که برای طلاق به این مجتمع مراجعه کرده بودند، با استفاده از شیوه نمونه گیری داوطلبانه انتخاب شدند. آزمودنی ها، سه پرسشنامه باورهای ارتباطی، سازگاری زناشویی و انعطاف پذیری و پیوستگی کارکرد خانواده (ویرایش سوم) را تکمیل نمودند. به علت نوع متغیرهای موجود در این پژوهش، داده‌های جمع‌آوری شده به وسیله ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره تحلیل شدند. نتایج تحلیل نشان داد که خرده مقیاس های عدم تغییر پذیری همسر، تفاوت های جنسیتی و کمال گرایی جنسی در بین زنان و مردان با پیوستگی و انعطاف پذیری کارکرد خانواده و نیز با سازگاری زناشویی ارتباط معنی داری دارند، به طوری که اهمیت این باورها هم در کارکرد خانواده و هم در سازگاری زناشویی قابل ملاحظه است.

نتایج این پژوهش ضرورت توجه به تفکرات غیرمنطقی مختص رابطه، استفاده از کلاس‌های آموزشی برای تصحیح این تفکرات و استفاده از رویکردهای درمانی رفتاری - شناختی را با هدف سازگاری زناشویی و افزایش کارکرد خانواده نشان می دهد.

واژگان کلیدی: باورهای ارتباطی، کارکرد خانواده، پیوستگی، انعطاف پذیری، سازگاری زناشویی

سوسن سیف

عضو هیأت علمی دانشگاه الزهرا (س)

معصومه اسلامی

کارشناس ارشد روانشناسی عمومی

Isma232000@yahoo.com

مقدمه

در یکی از افسانه های قدیمی یونانی، درباره عشق و محبت از زبان افلاطون چنین آمده است: "انسان در ابتدا به شکل کره بود. چهار دست و چهار پا و دو صورت داشت. تنش نیرومند و جانش سرکش بود. با سرعت خارق العاده ای روی زمین می گلتید و مسافت های دراز را در می نوردید. چنان تندرو و بلند پرواز بود که در هیچ جا توقف نمی کرد و می خواست در ظلمات جهل و ابهام نفوذ کند. از این رو، در آسمان انجمنی ساختند و به مشورت پرداختند تا سر او را از سر خود کم کنند. گفتگوهای بسیار کردند و عقاید مختلفی اظهار شد. از جمله این که انسان را نابود کنند و نژادش را از روی زمین براندازند، ولی این نظر با اکثریت آراء در شد؛ زیرا در خلقت انسان رنج فراوان برده بودند. عاقبت تصمیم گرفته شد که او را از میان به دو نیمه کنند تا ناقص شود و هیجانانش تخفیف یابد. پس چنین کردند و انسان دو نیمه شد؛ نیمی زن و نیمی مرد. از آن روز تاکنون، زن و مرد در جستجوی یکدیگرند و می خواهند بدین وسیله نقص وجود خویشان را جبران کنند. از این روست که تشنجی عجیب در زندگی انسان رخ داده و آدمیان در این جستجو یک دم آرام ندارند. اینک، همواره زن در پی مرد و مرد به دنبال زن است." (اسودی، ۱۳۷۹)

ازدواج یکی از قدیمی ترین پیوندهای انسانی است که ارضا کننده و رشد دهنده شخصیت آدمی به شمار می آید و اکثر قریب به اتفاق افراد حداقل یک بار در زندگی خود دست به انتخاب می زنند. ازدواج از همان اوایل مورد توجه نویسندگان، فلاسفه و به خصوص اخلاقیون و پیروان ادیان بزرگ قرار گرفته و برای حفظ آن نیز دستورالعمل هایی ارائه شده است. اکثر آنها طلاق را منفور می دانند و همواره خانواده به عنوان یک نظام و نهاد معتبر مورد توجه آنها بوده است. امروزه هم ما این اهمیت را در بین سایر دانشمندان و محققان از جمله روانشناسان و مشاوران شاهدیم. (Goldenberg & Goldenberg, 1996; Rice, 1997; Day, 2003)

زندگی مشترک با این باور که تنها مرگ می تواند ما را از هم جدا کند، شروع می شود و زوجین هم، حداقل در آغاز زندگی مشترک خود نسبت به آن اعتقاد کامل دارند. اما واقعیت چیز دیگری است؛ زندگی مشترک تحت تأثیر عوامل متعددی قرار می گیرد که پاره ای از آنها ممکن است زوجین را به طرف اختلاف و درگیری، جدایی روانی و حتی طلاق سوق دهد. تحقیقات مختلف نشان داده است که یکی از مهم ترین عوامل مشکل ساز، اختلال در ارتباط یا به عبارتی اختلال در فرایند تفهیم و تفاهم است. به عنوان مثال، در گزارشی که توسط آژانس مشاوره خانواده در سال ۱۹۷۰ تهیه شده است ۸۷ درصد زوج های شرکت کننده در پژوهش نشان دادند که مشکل اصلی آنها مشکل ارتباطی است. (Jacobson et al, 1980)

مبانی نظری

افزایش روز افزون اختلافات و تعارضات زناشویی در دنیای معاصر و خطر بروز جدائی و اثر منفی آن بر سلامت روانی زوجین و فرزندان آنان موجب شده است تا مشاوران و به خصوص آنان که با خانواده و زوجین سر و کار دارند، راهکارهایی برای کمک به زوجین ارائه دهند تا تلاش خود را در جهت تحکیم این پیوند مقدس به کار بندند. مکاتب مختلفی در روانشناسی تئوری‌ها و نظریات خود را در جهت تبیین مشکلات زناشویی مطرح کرده اند که از جمله آنها می‌توان به نظریات شناختی - رفتاری اشاره نمود. افراد شاخص این رویکرد عبارت‌اند از: جerald پترسون، ریچارد استوارت، نورمن اپستین، نیل جاکوبسون، آلبرت ایس، آرون بک، دیوید برنز، فینچام، دونالدمایکن بام ... (سیف و همکاران، ۱۳۸۳). در نظریه شناختی - رفتاری افکار اتوماتیک و طرحواره های ذهنی در بروز این اختلالات نقش به سزایی دارند. از دیدگاه منطقی - عقلانی ایس نیز علل اکثر مشکلات رفتاری و تعارضات بین فردی از جمله تعارض زناشویی، مربوط به باورهای غیر منطقی فرد است (فرح بخش، ۱۳۸۴). برای درمان تعارضات زناشویی بهترین راه، کار کردن بر روی باورهای غیر منطقی و تغییر دادن آنهاست. (Weeks et al, 2001) در این پژوهش سعی بر شناسایی این باورهاست که در واقع همانند یک اسطوره بر زندگی زوجین سایه انداخته اند. (Lazarus, 2004) اسطوره‌هایی (myth) که در اینجا بررسی می‌شوند، بیشترین شیوع را در بین زوجین دارند - البته اسطوره های دیگری وجود دارد که همه آنها بررسی نشده است - و بیشتر آن دسته از باورهای غلطی هستند که باعث ناسازگاری زناشویی و ایجاد اختلال در کارکرد خانواده می‌شوند.

باورهای ارتباطی غیرمنطقی از نظر اپستین و ایدلسون

فهرست باورهایی که ایدلسون و اپستین (Epstein & Eidelson) مورد بررسی قرار دادند، به قرار زیر است:

۱. باور به تخریب‌کنندگی مخالفت که به معنای عدم پذیرش، ناراحتی و تفسیر منفی اختلاف نظرهاست.
 ۲. باور به عدم تغییرپذیری همسر یعنی اعتقاد به عدم قابلیت همسر در تغییر رفتارها و تکرار آنها درآینده.
 ۳. توقع ذهن خوانی یعنی انتظار اینکه بدون نیاز به گفتن و اظهار نظر کردن، فرد باید احساسات، افکار و نیازهای همسر خود را بداند.
 ۴. کمال‌گرایی جنسی که به معنای انتظار از همسر در ایجاد رابطه جنسی تام و تمام در همه شرایط بدون توجه به شرایط وی است.
 ۵. باور در مورد تفاوت‌های جنسیتی یعنی درک صحیح نداشتن از تفاوت‌های شناختی و جسمانی زن و مرد به صورت انتظار یکسان داشتن و یا تفاوت‌های مادرزادی را علت اختلافات دانستن.
- تمرکز اغلب الگوهای آسیب شناسی بر فردی است که کارکرد روانشناختی وی آسیب دیده و یا مختل شده است، اما امروزه باگسترش نظریه های سیستمی، فرد در بافت روابط و تعاملات بین اعضای خانواده مورد بررسی قرار می‌گیرد و به نظر می‌رسد که این دیدگاه جامع‌نگرتر باشد. خانواده بدون شک مهم‌ترین سازمانی است که بسترساز رشد و رفاه جسمی، روانی و اجتماعی کودک و عامل رسیدن وی به تعادل (فیزیکی، روانی و اجتماعی) است. (Wood, 1996)
- این سیستم اجتماعی کامل (Martin & Martin, 2000) با ایجاد پیوندهای عاطفی و مراقبتی قوی، اعضا را کنار یکدیگر نگه می‌دارد. در این هنگام، اعضای خانواده کنترل، تایید و اختلاف عقیده داشتن با یکدیگر را تمرین می‌کنند. در بخشی از این تعامل، هر خانواده دارای یک ساختار است که می‌تواند کارآمد یا ناکارآمد، بی‌نظم و آشفته یا خشک و انعطاف‌ناپذیر باشد. وجود چنین سازمانی در خانواده کمک می‌کند

تا در این چارچوب زمانی و تحولی، خانواده به اهداف خود دست یابد و بقای خود را به عنوان یک واحد اجتماعی حفظ نماید. (ibid, 2000) لذا خانواده درمانگران بر این عقیده اند که در بررسی مشکل روانی به هر دلیل و علتی که بروز کرده باشد، باید شبکه روابط و ساخت مراوداتی را که فرد در آن قرار گرفته است، هدف قرار داد (بخشی پور، ۱۳۸۰).

پژوهش مؤمن زاده (۱۳۸۱) نشان داد که ارتباط منفی و معنی داری بین تفکرات غیرمنطقی به جز تفکرات عدم کنترل هیجانانگیز و کمال طلبی و سازگاری زناشویی وجود دارد. همچنین بین الگوهای دلبستگی و سازگاری زناشویی ارتباطی معنی دار مشاهده گردید و بین تفکرات توقع بیش از حد، واکنش نومی، دلواپسی اضطرابی، اجتناب از مشکلات، درماندگی نسبت به تغییر خویش و کمال طلبی در الگوهای مختلف دلبستگی، تفاوت معنی داری وجود داشت. مطالعه در مورد خانواده و بررسی ساختارهای آن و ارتباط عوامل مختلف که به نحوی با خانواده همبسته باشند، به کرات صورت گرفته، اما پژوهش در مورد کارکرد خانواده و تأثیری که کارکرد خانواده بر جنبه های دیگر زندگی زناشویی می گذارد، کمتر مدنظر قرار گرفته شده است.

تئوری اولسون

کارکرد خانواده پدیده ای بسیار پیچیده است که به شیوه های مختلف سنجش و ارزیابی می شود. به طور کلی، این پدیده به کیفیت زندگی خانواده در سطح سیستمی یا روابط دوتایی اشاره دارد و به مواردی از قبیل سلامت، شایستگی ها، کفایت ها، ضعف ها و قدرت های نظام خانواده بر می گردد (shek, 2002a). پیوستگی، انعطاف پذیری (سازش پذیری) و ارتباط ابعاد اساسی الگو را شامل می شوند. مراد از انعطاف پذیری، میزان تغییر در رهبری، روابط نقش ها و قوانین ارتباطی است (Olson, 2000). مفاهیم اختصاصی عبارتند از: رهبری (کنترل و انضباط) سبک های مذاکره، روابط نقش ها و قوانین ارتباط. در واقع، نکته اساسی در انعطاف پذیری اینجاست که نظام ها چگونه بین تعادل و تغییر، تعادل می یابند. این بعد پیش از این، "سازش پذیری" نام داشته که این تغییر واژه، انعکاسی از تغییر مفهومی آن است. چهار سطح انعطاف پذیری عبارت اند از: انعطاف پذیری خیلی پایین، ساخت یافته (پایین تا متوسط)، انعطاف پذیر (متوسط تا بالا) و بی نظم (بسیار بالا).

پیوستگی عبارت است: از پیوند عاطفی اعضای خانواده نسبت به یکدیگر (Olson, 1994, 1996 & 2000) متغیرها یا مفاهیم خاصی که برای سنجش و تشخیص پیوستگی خانواده مورد استفاده قرار می گیرند، عبارتند از: پیوند عاطفی، مرزها، اتحادها، زمان، فضا، دوستان، شیوه تصمیم گیری، علایق و واکنش ها. تعادل در این سازه، زمانی فراهم می شود که نظام خانواده در حد فاصل جدایی و با هم بودن قرار می گیرد. پیوستگی، چهار سطح متفاوت را در بر می گیرد که عبارت اند از: رها شده (خیلی پایین)، جدا شده (پایین تا متوسط)، پیوسته (متوسط تا بالا) و در هم تنیده (خیلی بالا). فرض بر این است که کنش مطلوب و بهینه یک سیستم با سطوح متعادل و مرکزی پیوستگی (جدا شده و پیوسته) همراه می شود. سطوح نا متعادل یا افراطی و گسسته و در هم تنیده، عموماً در روابط مشکل ساز خانواده ها طی مدت زمان طولانی مشاهده می گردد (Olson et al, 1989).

بعد سوم در این الگو، ارتباط است که بعدی تسهیل گر و اهمیت آن از جهت کمک به حرکت و جابجایی در دو بعد دیگر است. برای ارزیابی این بعد، مهارت هایی از قبیل شنیدن، صحبت کردن، خود افشاگری، شفافیت، احترام و توجه به یکدیگر باید مد نظر قرار گیرد (Olson, 2000).

مهارت های شنیدن به همدلی و گوش دادن دقیق اشاره دارد و مهارت های صحبت کردن به گفتگو با فرد مورد نظر و همزمان، خود افشاگری مربوط می شود. تعقیب یا دنبال کردن عبارت است از: ماندن روی یک موضوع و احترام و توجه به جنبه های مؤثر ارتباط و مهارت های حل مسئله در زوجین یا خانواده. این نقاط

قوت به خانواده، در برابر حوادث قدرت مقاومت می دهد و در نتیجه همانند یک عامل پیشگیرانه، کارکرد خانواده را حفظ می کند.

صیادی (۱۳۸۱، به نقل از بهفر، ۱۳۸۲) به بررسی اثرات کارکرد خانواده در بروز اختلالات روانی در نوجوانان در شهر تهران پرداخت. نتایج وی نشان داد که سازه نقش‌ها در خانواده پیش بینی کننده مناسبی برای اختلالات روانی نوجوان است. این مطالعه نشان می دهد، زمانی که در خانواده مسئولیت های هر یک از اعضا و قوانین حاکم بر محیط خانواده روشن و مناسب نیست و پیوند محکم عاطفی بین اعضا وجود نداشته باشد و خانواده نتواند کارکردهای خود را به صورت صحیح به اجرا درآورد، در آن صورت احتمال بروز بیماری و اختلال روانی افزایش می یابد.

در مطالعه ای دیگر، بهفر (۱۳۸۲) به بررسی تأثیر کارکرد خانواده بر اختلالات درون ریزی دختران نوجوان و نیز مقایسه کارکرد خانواده در خانواده های آسیب دیده اعتیاد، نک والد، طلاق گرفته و خانواده های عادی پرداخت. وی مطالعه خود را بر روی ۳۳۴ دختر نوجوان در محدوده سنی ۱۴ - ۱۸ انجام داد که بر مبنای نتایج به دست آمده از این تحقیق، بین پیوستگی و رضایت از سازش پذیری و عضویت در گروه های بهنجار ارتباط معنی داری وجود دارد.

در پژوهشی دیگر، مظاهری (۱۳۸۱) که با هدف تأکید بر تأثیر آموزش مهارت‌های شناختی زندگی زناشویی در تغییر باورهای ارتباطی دانشجویان طراح و اجرا گردید، نتایج نشان داد که باورهای غیرمنطقی ارتباطی به طور معنی داری با آموزش کاهش پیدا می کنند.

ادراکات زن و شوهر و برداشت‌هایی که آنها از زندگی خانوادگی خود داشته اند، در سازگاری زناشویی آنها تأثیر گذار است. همچنین تأییداتی که زن از ادراکات و تجربیات خانواده اش می گیرد، برجسته تر و بیشتر از مرد است؛ یعنی دخالت الگوهای قبلی در سازگاری زناشویی از ناحیه زن قوی تر است. (Sabatili, 2003) در واقع الگوهای ارتباطی تعاملات و سازگاری، از بین نسل‌ها قابل انتقال اند و این انتقال در رشد اجتماعی و هیجانی کودکان قابل نفوذ است. (ibid, 2003)

فینچام و برادبوری (1990) بیان می دارند که نگرش‌ها و تفاسیری که زوجین از رفتارهای همدیگر دارند، در سازگاری زناشویی آنها تأثیر گذار است. همچنین در تحقیقی که توسط وانزتزی (Vantzeti) و همکارانش در سال 1992 صورت گرفت، این نتیجه به دست آمد که نگرش‌های مثبت در رفتارهای هر یک از زوجین در امید به داشتن روابط زناشویی خوشایند در آینده مؤثر است. آنان همچنین بیان می دارند که انتظارات مثبت در سازگاری زناشویی نیز نقش به سزایی دارد. پیش فرض‌های زوجین در زمینه ماهیت زن و مرد و توانایی افراد برای تغییر دادن عملکرد زناشویی آنها نیز در این زمینه مؤثر است. به عنوان مثال، ایدلسون و اپستین (1982) مطرح کردند عده زیادی از مردم معتقدند همسران آنها تغییر نمی کنند و یا تغییر آنها تخریب کننده است و باعث می شود که روابط آنها مخدوش شود که این خود موجب بر هم زدن ارتباط و پیدایش نیاز به درمان می شود. همچنین هر یک از زوجین برای همسر خود ملاک‌ها و انتظاراتی را در نظر دارند که عدم اجرای این انتظارات و یا رعایت نکردن این ملاک‌ها باعث پایین آمدن سطح رضایتمندی زناشویی شده و روابط بین زوجین را در آستانه تیرگی قرار می دهد (Virkler, 1998).

طی چندین دهه گذشته، نظریه ها و تحقیقات شناختی - رفتاری، نقش انواع شناخت‌ها را در افرادی که سازگاری یا نابسامانی زناشویی را تجربه می کنند، بررسی کرده اند. چندین مطالعه به بررسی اسنادهای زن و شوهرها به وقایع مثبت و منفی پرداخته اند، در حالی که مطالعات دیگر نقش انواع گوناگون سازه های پردازش اطلاعات نظیر توجه انتخابی، انتظارات، مفروضه ها و ضوابط و استانداردها را بررسی کرده اند. در تحقیقی که آیزنبرگ و زینگل (۱۹۷۵) انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که افرادی که دچار مشکلات ازدواج اند، بیشتر از افرادی که این مشکلات را ندارند، افکار غیر منطقی بروز می دهند. باکوم (۱۹۸۷) به نقل از دبورد و رومانس (۱۹۹۶) در این باره می نویسد: تا این تاریخ، بیشتر تحقیقات درباره متغیرهای شناختی در تعامل زناشویی بر فرایند اسنادی متمرکز بوده اند، با این حال به عقیده اپستین (۱۹۸۶) نافذترین و پایدارترین

متغیرهای شناختی که در ناراحتی زناشویی نهفته است، باورهای افراطی درباره خود شخص، شریک زندگی و ماهیت تعاملات زناشویی است. سایر صاحب نظران نیز نشان دادند که چسبیدن به ضوابط یا باورهای غیر واقعی توسط یک یا هر دو شریک زندگی، احتمالاً به ناراحتی و ناراضی زناشویی می انجامد (الیس، هارپر، ۱۹۷۵؛ اپستین، ایدلسون، ۱۹۸۱، به نقل از سیف، ۱۳۸۳). دبور و رومانس (۱۹۹۶) نیز در مطالعه ای به پیش بینی سازگاری دوتایی از روی باورهای عمومی و باورهای غیر عقلانی مختص رابطه پرداختند. آنها در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که مردان به طور معنی داری در پرسشنامه باورهای مختص رابطه، نمرات بالاتری نسبت به زنان می گیرند ($P < 0/99$). همچنین یافته های این تحقیق نشان داد که باورهای غیر منطقی مختص رابطه، نسبت به باورهای غیر منطقی عمومی واریانس بیشتری را در سازگاری زناشویی (دوتایی) به خود اختصاص می دهند و نیز علیرغم اینکه آزمون باورهای غیر منطقی و پرسشنامه باورهای مختص رابطه با یکدیگر همبستگی معنادار و مثبتی دارند، اما آنها با مقیاس های سازگاری زناشویی همبستگی منفی دارند. به تعبیری، وقتی میزان چسبیدن یا اتکا به باورهای غیر منطقی افزایش می یابد، میزان سازگاری زناشویی کاهش می یابد، اما وقتی میزان چسبیدن به باورهای غیر منطقی مختص رابطه افزایش می یابد، میزان سازگاری زناشویی نیز افزایش می یابد؟ (سیف، ۱۳۸۳).

دبور و رومانس (۱۹۹۶) بر اساس یافته های خود چنین ادعا می کنند که چسبیدن بیشتر به باورهای غیرعقلانی مختص رابطه در کسانی پیدا می شود که در ازدواجشان تا حدی ناشادند. هر چند که همبستگی منفی مورد انتظاری بین باورهای غیر عقلانی عمومی یا سازگاری زناشویی به دست نیامد، اما همبستگی مثبتی بین اتکا به باورهای مختص رابطه و سازگاری زناشویی به دست آمد؛ یعنی هرچه زن و شوهر به باورهای ناکارساز مختص رابطه بیشتر تکیه کنند، در ازدواجشان شادتر خواهند بود. به عبارتی، چسبیدن به باورهای غیر عقلانی یا ناکارساز مختص رابطه، در ازدواج های بسیار سازگار رایج تر از ازدواج های ناسازگار است. آنان بارها اشاره کرده اند که نتایج مطالعاتشان با نتایج مطالعات مشابه مغایر است. مطالعات بیرن و بلاپلوک (۱۹۶۳) و لوینگر و بریدلاو (۱۹۶۶) هر دو نشان داده اند که وقتی احساساتی که شخص نسبت به طرف مقابلش تجربه می کند، افزایش می یابد، آنگاه احتمال تحریف ادراکی بیشتر می شود. همین طور، دبور و رومانس (۱۹۹۶) در تبیین یافته های خود چنین مطرح کرده اند که شاید چنین یافته هایی را بتوان تحت پدیده شناسایی شده اخیر که «واقع گرایی افسرده گونه» نامیده می شود، مفهوم سازی کرد (همان منبع).

روش تحقیق

نمونه تحقیق: جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه زوجینی است که به دلیل وجود اختلافات و ناسازگاری های زناشویی به مجتمع قضایی خانواده شماره ۱ واقع در شهر تهران برای دادخواست طلاق مراجعه کرده اند. نمونه آماری در این تحقیق شامل ۲۰۰ زوج (۱۰۰ زن و ۱۰۰ مرد) است.

ابزارهای اندازه گیری

مقیاس کارکرد خانواده (ویرایش سوم): این مقیاس بر اساس الگوی حلقوی پیچیده به منظور ارزیابی کنش وری و کارکرد خانواده ساخته شده که بر وجود سه بعد محوری یعنی پیوستگی، سازش پذیری (انعطاف پذیری) و ارتباط تأکید دارد و بر سنجش ابعاد پیوستگی و سازش پذیری می پردازد. (Olson et al, 1985). ویرایش سوم این مقیاس ها جدیدترین ویرایش این ابزار است که برای ارزیابی کارکرد خانواده، طراحی شده و از پر کاربردترین مقیاس های مورد استفاده برای اندازه گیری کارکرد خانواده محسوب می شود. (مظاهری، ۱۳۷۹). این مقیاس در بیش از ۳۰۰ مطالعه برای ارزیابی کارکرد خانواده به کار گرفته شده است (بهفر، ۱۳۸۲).

این مقیاس از ۲۰ عبارت تشکیل شده که ۱۰ عبارت آن به ارزیابی بعد پیوستگی و ۱۰ عبارت دیگر به سنجش بعد سازش پذیری می‌پردازد.

اعتبار و روایی آزمون: ضریب اعتبار بر اساس همسانی درونی برای پیوستگی ۰/۷۷، سازش پذیری ۰/۶۲ و کل مقیاس ۰/۶۸ است. ضرایب اعتبار به شیوه بازآزمایی با فاصله ۵ - ۴ هفته برای این مقیاس‌ها محاسبه شده که برای پیوستگی ۰/۸۳ و برای سازش پذیری ۰/۸۲ گزارش شده است. (Olson, 1986)

در ایران مقیاس‌های ارزیابی سازش پذیری و پیوستگی خانواده (ویرایش سوم) توسط ثنائی و مظاهری (۱۳۷۹) به طور جداگانه ترجمه شده و در چندین مطالعه به کار رفته است. در مطالعه بهفر (۱۳۸۲) نیز این آزمون مورد استفاده قرار گرفت که ضریب آلفای کرونباخ برای پیوستگی ۰/۷۷ و برای سازش پذیری ۰/۶۱ و برای کل مقیاس ۰/۷۲ است.

در مطالعه حاضر، ضریب آلفای کرونباخ برای پیوستگی ۰/۸۷ و برای سازش پذیری ۰/۷۶ و برای کل مقیاس برابر با ۰/۹۰ محاسبه شده است.

سیاهه باورهای ارتباطی: این سیاهه یک پرسشنامه ۴۰ سوالی است که برای اندازه‌گیری باورهای غیرمنطقی درباره روابط زناشویی توسط ایدلسون و اپستین (1981) ساخته شده و دارای ۵ خرده مقیاس به قرار زیر است:

- ۱) باور به تخریب‌کنندگی مخالف به معنای عدم پذیرش، ناراحتی و تفسیر منفی اختلاف نظر است.
 - ۲) باور به عدم تغییرپذیری همسر، اعتقاد به عدم قابلیت همسر در تغییر رفتارها و تکرار آنها در آینده است.
 - ۳) توقع ذهن خوانی، انتظار این است که بدون نیاز به گفتن و اظهار کردن، فرد باید احساسات، افکار و نیازهای همسر خود را بداند.
 - ۴) کمال‌گرایی جنسیتی یعنی، انتظار از همسر در ایجاد رابطه جنسی تام و تمام در همه شرایط بدون توجه به شرایط وی.
 - ۵) باور در مورد تفاوت‌های جنسی یعنی، درک صحیح نداشتن از تفاوت‌های شناختی و فیزیولوژیکی زن و مرد به صورت انتظار یکسان داشتن و یا تفاوت‌های مادرزادی را علت اختلاف دانستن.
- پنج باور یاد شده که متغیرهای پیش بین این پژوهش را تشکیل می‌دهند با سیاهه باورهای ارتباطی سنجیده می‌شوند.

اعتبار و روایی آزمون: ضریب آلفای کرونباخ برای این مقیاس از ۷۲ تا ۸۱ درصد برآورد شده است. در مطالعه حاضر آلفای کرونباخ محاسبه شده، ۰/۷۵ می‌باشد.

آزمون سازگاری زناشویی و روش نمره گذاری: این آزمون در سال 1959 توسط لاک و والاس ساخته شد و یک پرسشنامه خود گزارش دهی کوتاه است که به منظور اندازه‌گیری کیفیت کنش‌وری ازدواج طراحی شده است. این آزمون معمولی‌ترین ابزار اندازه‌گیری به کار برده شده در این زمینه است (هریس و وستویس 1989، بیاینگز، 1979). به نقل از مظاهری، این پرسشنامه حاوی ۱۵ ماده است که نشان می‌دهند تا چه حد پاسخ دهنده با همسر خود در خصوص تعدادی از فعالیت‌هایی که پایه «ادراک بین فردی» از روابط زناشویی را فراهم می‌آورد، سازگاری دارد. گستره نمرات این آزمون از ۲ تا ۱۵۸ می‌تواند باشد؛ نمرات پایین «نارضایتی» و نمرات بالا رضایت را نشان می‌دهند و میانگین نمرات برای مردان ۱۱۰ و برای زنان ۱۰۸ است. نمرات ۱۰۰ و بالاتر به طور کلی رضایت از ازدواج را نشان می‌دهد و نمرات پایین‌تر از ۱۰۰ نشان دهنده تنیدگی در روابط زناشویی است.

اعتبار و روایی این آزمون: این آزمون با کاربرد «روش دونیمه کردن» پایایی و روایی بسیار بالای ۹۰ درصد را نشان داد. همچنین آزمون «ام‌ای، تی» با ایجاد تمایز واضح و آشکار بین همسرانی که به خوبی

سازش یافته اند و آنهایی که در ازدواج خود دچار تنیدگی اند، اعتبار بسیار بالایی نشان داده است (لاک و والاس، ۱۹۵۹، نقل از مظاهری، ۱۳۷۹). در پژوهش حاضر اعتبار و روایی این آزمون ۰/۷۵ است.

نتایج

ابتدا به بررسی توصیفی داده ها و سپس به بررسی استنباطی آنها می پردازیم.

جدول ۱: وضعیت تحصیلات آزمودنی ها به تفکیک جنسیت

سطح تحصیلات	زن	مرد	مجموع
سیکل	۲۵	۳۹	۶۴
دیپلم	۴۹	۳۶	۸۵
فوق دیپلم	۳	۶	۹
لیسانس	۱۹	۱۴	۳۳
فوق لیسانس	۳	۲	۵
متخصص نکرده	۱	۳	۴
مجموع	۱۰۰	۱۰۰	۲۰۰

با توجه به جدول شماره ۱ از تعداد کل آزمودنی ها که ۲۰۰ نفر بودند در مجموع ۶۴ نفر سیکل، ۸۵ نفر دیپلم، ۹ نفر فوق دیپلم، ۳۳ نفر لیسانس، ۵ نفر فوق لیسانس بوده و ۴ نفر هم مشخص نکرده اند. افراد دیپلمه و سیکل و لیسانس بیشترین فراوانی ها را داشته اند. به عبارت دیگر، از این تعداد ۳۲ درصد سیکل، ۴۲/۵ درصد دیپلم، ۴/۵ درصد فوق دیپلم، ۱۶/۵ درصد لیسانس، ۲/۵ درصد فوق لیسانس و ۲ درصد افرادی بودند که سطح تحصیلات خود را مشخص نکرده بودند.

جدول ۲: میانگین سن آزمودنی ها بر اساس جنسیت

جنسیت	میانگین سن	حداقل سن	حداکثر سن	انحراف استاندارد	نمونه
زن	۲۶/۲۳	۱۶	۴۸	۷/۷۸	۱۰۰
مرد	۲۸/۹۲	۱۹	۵۱	۱۰/۷۲	۱۰۰
کل	۲۷/۵۷	۱۶	۵۱	۹/۴۴	۲۰۰

بر اساس جدول شماره ۲ میانگین سن آزمودنی ها ۲۷/۵۷ بوده است. از تعداد ۲۰۰ نفر آزمودنی ۱۰۰ نفر زن و میانگین سن آنها ۲۶/۲۳ و ۱۰۰ نفر دیگر مرد بوده اند که میانگین سن آنها ۲۸/۹۲ بوده است. حداقل سن آزمودنی های زن ۱۶ و حداکثر ۴۸ بوده و برای مردان حداقل سن ۱۹ سال و حداکثر سن ۵۱ سال بوده است.

جدول ۳: میانگین و انحراف استاندارد کل آزمودنی‌ها در آزمون باورهای ارتباطی

نمره مقیاس	میانگین	انحراف استاندارد	فروانی
تخریب کنندگی مخالفت	۲۲/۴۱	۶/۵۰	۲۰۰
توقع ذهن خوانی	۲۳/۲۷	۴/۸۸	۲۰۰
عدم تغییر پذیری زوج	۱۹/۶۶	۶/۱۸	۲۰۰
کمال‌گرایی جنسی	۲۰/۸۵	۵/۲۹	۲۰۰
تفاوت‌های جنسیتی	۲۰/۶۴	۵/۰۳	۲۰۰

با توجه به جدول شماره ۳ میانگین آزمودنی‌ها به طور کل بدون تفکیک جنسیت در هر خرده آزمون به قرار زیر است:
تخریب کنندگی مخالفت، ۲۲/۴۱، توقع ذهن خوانی، ۲۳/۲۷، عدم تغییر پذیری زوج، ۱۹/۶۶، کمال‌گرایی جنسی، ۲۰/۸۵ و تفاوت‌های جنسیتی، ۲۰/۶۴.

جدول ۴: میانگین و انحراف استاندارد آزمودنی‌ها در مقیاس پیوستگی در تست کارکرد خانواده بر حسب جنسیت و کل زوجین

نام تست و جنسیت	میانگین	انحراف استاندارد	فروانی
پیوستگی واقعی زنان	۲۴/۰۴	۱۰/۲۸	۱۰۰
پیوستگی واقعی مردان	۲۸/۴۱	۱۰/۰۵	۱۰۰
پیوستگی کل	۲۳/۲۶	۱۰/۳۷	۲۰۰

جدول شماره ۴ بیانگر این نکته است که میانگین پیوستگی زنان در این تست برابر با ۲۴/۰۴ بوده و در مردان برابر با ۲۸/۴۱ می‌باشد. به طور کلی بدون در نظر گرفتن جنسیت آزمودنی‌ها میانگین پیوستگی برابر با ۲۶/۲۳ می‌باشد.

جدول ۵: میانگین و انحراف استاندارد آزمودنی‌ها در مقیاس سازش پذیری در تست کارکرد خانواده بر حسب جنسیت و کل زوجین

نام تست و جنسیت	میانگین	انحراف استاندارد	فروانی
سازش پذیری زنان	۲۳/۵۸	۸/۸۶	۱۰۰
سازش پذیری مردان	۲۶/۵۸	۷/۳۶	۱۰۰
سازش پذیری کل	۲۵/۰۵	۸/۲۶	۲۰۰

طبق جدول شماره ۵ میانگین زنان در بعد سازش پذیری برابر با ۲۳/۵۸ و میانگین نمره مردان، ۲۶/۵۸ و میانگین کل آزمودنی‌های زن و مرد برابر با ۲۵/۰۵ می‌باشد.

جدول ۶: میانگین و انحراف استاندارد آزمودنی‌ها در مقیاس سازگاری زناشویی بر اساس جنسیت و کل زوجین

نام تست و جنسیت	میانگین	انحراف استاندارد	فروانی
سازگاری زنان	۴۸/۲۱	۲۴/۱۰	۱۰۰
سازگاری مردان	۶۳/۶۹	۲۶/۰۰	۱۰۰
سازگاری زناشویی کل	۵۶/۳۴	۲۶/۷۹	۲۰۰

جدول ۶ بیانگر این مطلب است که نمره میانگین تست سازگاری زناشویی برای زنان ۴۸/۲۱ و برای مردان ۶۳/۶۹ بوده و میانگین کل هر دو جنس ۵۶/۳۴ بوده است.

جدول ۷: همبستگی بین سازش‌پذیری، پیوستگی و سازگاری زناشویی با نمره‌های کل باورهای ارتباطی

رده‌بند	مقیاس‌ها	۱	۲	۳
۱	باورهای ارتباطی کل			
۲	پیوستگی کل	-۰/۰۵۲		
۳	سازش‌پذیری کل	-۰/۰۳۳	۰/۷۸۷**	
۴	سازگاری زناشویی کل	-۰/۰۵۸	۰/۱۲۷	۰/۱۶۰*

** همبستگی در سطح $p < ۰/۰۱$ آزمون یکسویه معنادار است.

* همبستگی در سطح $p < ۰/۰۵$ آزمون یکسویه معنادار است.

جدول ۸: همبستگی بین سازش‌پذیری و پیوستگی با نمره‌های کل باورهای ارتباطی

رده‌بند	مقیاس‌ها	۱	۲	۳
۱	باورهای ارتباطی کل			
۲	پیوستگی کل	-۰/۰۵۲		
۳	سازش‌پذیری کل	-۰/۰۳۳	۰/۷۸۷**	

** همبستگی در سطح $p < ۰/۰۱$ آزمون یکسویه معنادار است.

* همبستگی در سطح $p < ۰/۰۵$ آزمون یکسویه معنادار است.

همان‌طور که از جدول استنباط می‌شود، متغیرهای باورهای ارتباطی با پیوستگی و سازش‌پذیری ارتباط معکوس دارد، اما معنی‌دار نیست. این ارتباط بسیار کم و ناچیز است، با توجه به جدول، بین متغیرهای سازش‌پذیری و پیوستگی در سطح $p < ۰/۰۱$ ارتباط مستقیم و معنی‌داری وجود دارد.

بررسی بین باورهای ارتباطی و پیوستگی ساختار خانواده

برای بررسی این مسئله ابتدا بدون در نظر گرفتن جنسیت به بررسی رابطه بین متغیرها پرداختیم و در مراحل بعد متغیر جنسیت را نیز دخیل کردیم. آنچه که از یافته ها حاصل شد، بیانگر این نکته است که بین باورهای ارتباطی و پیوستگی مردان رابطه معناداری در سطح $p < 0.01$ وجود دارد؛ اما بین پیوستگی زنان و باورهای ارتباطی رابطه معنی داری وجود ندارد، فقط در دو خرده مقیاس عدم تغییر پذیری همسر و تفاوت های جنسیتی، متغیر پیوستگی زنان در سطح $p < 0.05$ معنا دار بود. پیوستگی مردان با دو خرده مقیاس عدم تغییر پذیری همسر و کمال گرایی جنسی نیز رابطه معنادار معکوسی داشت.

جدول ۹: همبستگی بین عوامل باورهای ارتباطی زنان با پیوستگی آنان در بعد ساختار خانواده

مقیاس	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
باورهای ارتباطی زنان								
تغییر پذیری همسر	**							
عدم تفاوت ذهن خوانی	**	**						
عدم تغییر پذیری همسر	**	**						
کمال گرایی جنسی	*	*						
تفاوت های جنسیتی	**	**						
پیوستگی زنان	۰/۰۴۱	-۰/۰۸۱	-۰/۰۴۷	-۰/۰۲۹	۰/۰۳۷	۰/۰۳۱		
باورهای ارتباطی کل	۰/۰۹۲	۰/۰۶۵	۰/۰۵۹	۰/۰۵۲	۰/۰۳۹	**	**	-۰/۰۷۰
پیوستگی کل	۰/۰۴۰	۰/۰۵۵	-۰/۰۱۱	-۰/۰۲۰	۰/۰۹۳	*	*	**

** همبستگی در سطح $p < 0.01$ آزمون یکسویه معنادار است.

* همبستگی در سطح $p < 0.05$ آزمون یکسویه معنا دار است.

در بررسی رابطه پیوستگی کل با خرده مقیاس های باورهای زنان، فقط در دو بعد عدم تغییر پذیری همسر و تفاوت های جنسیتی ارتباط معنی داری $p < 0.05$ مشاهده شد؛ اما بین کل باورهای ارتباطی زنان و پیوستگی زنان ارتباط معناداری مشاهده نشد. بین پیوستگی زنان و باور ارتباطی مقیاس عدم تغییر پذیری همسر نیز در سطح $p < 0.05$ رابطه یا همبستگی معنادار معکوس مشاهده شد.

جدول ۱۰: تحلیل رگرسیون چند متغیره گام به گام پیوستگی ساختار خانواده بر مبنای خرده مقیاس‌های عدم تغییر پذیری و تفاوت‌های جنسیتی زنان

مقطع جنسیتی Sign	همبستگی R	خطای استاندارد Stand Error	ضریب تعیین میزان انحراف Beta معیار	ضریب ثابت constant	ضریب رگرسیون در نمونه B	عواملها
۰/۰۳۹	a ۰/۲۰۷	۴/۴۲۹	۰/۲۰۷	۱۵/۰۰۶	۰/۴۲۷	۱ پاور ارتباطی تفاوت جنسیتی در زنان
	b		۰/۲۲۸		۰/۴۷۱	پاور ارتباطی تفاوت جنسیتی در زنان
۰/۰۲	۰/۳۰۴	۵/۲۷۸	-۰/۲۲۴	۲۱/۹۴۹	۰/۳۸۳	۲ پاور ارتباطی عدم تغییر پذیری در زنان

متغیر پیش بین: خرده مقیاس‌های تفاوت‌های جنسیتی زنان و عدم تغییر پذیری همسر
متغیر ملاک: پیوستگی کل

با توجه به جدول ۱۰ مشاهده می شود که هنگامی که فقط عامل اول یعنی تفاوت‌های جنسیتی وارد می شود، میزان همبستگی به ۰/۳۰۴ افزایش می یابد. با توجه به ضرایب تعیین بنا، عامل تفاوت‌های جنسیتی به تنهایی حدود ۲۰ درصد تغییرات متغیر ملاک یعنی پیوستگی را پیش بینی می کند؛ اما هنگامی که متغیر بعدی یعنی اعتقاد به عدم تغییر پذیری همسر اضافه می شود، این میزان به حدود ۲۳ درصد افزایش می یابد. به علاوه، معادله پیش بینی پیوستگی کلی از روی متغیرهای عدم تغییر پذیری همسر و تفاوت‌های جنسیتی زنان به شرح زیر است:

$۰/۳۸۳ + ۰/۴۷۱ \times (\text{نمره تفاوت‌های جنسیتی زنان}) - ۰/۲۲۴ = \text{پیوستگی کل}$
یعنی می توان گفت که با بیشتر از ۹۵ درصد اطمینان، دو عامل یاد شده حدود ۲۳ درصد از نمره پیوستگی را پیش بینی می کند.

رتال جامع علوم انسانی

جدول ۱۱: ماتریس همبستگی بین عوامل باورهای ارتباطی مردان و پیوستگی آنان در بعد ساختار خانواده

مقیاس	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱- باورهای ارتباطی مردان								
۲- تعریف کنندگی اختلاف	** ۰/۷۲۴							
۳- عدم توقع ذهن خوانی	** ۰/۵۹۸	** ۰/۳۸۰						
۴- عدم تغییر پذیری همسر	* ۰/۶۲۸	** ۰/۳۵۰	۰/۱۷۰					
۵- کمال گرایی جنسی	* ۰/۳۲۹	۰/۰۵۹	۰/۱۰۶	-۰/۱۳۹				
۶- تفاوت های جنسیتی	** ۰/۵۴۵	۰/۱۱۹	* ۰/۲۲۳	* ۰/۲۵۵	۰/۰۲۵			
۷- پیوستگی مردان	-۰/۰۸۸	-۰/۱۲۴	۰/۱۵۹	** -۰/۴۰۱	* ۰/۲۱۷	۰/۰۳۷		
۸- باورهای ارتباطی کل	۰/۱۷۰	۰/۰۹۹	۰/۰۴۲	۰/۱۸۶	۰/۰۰۸	۰/۱۴۱	** ۰/۲۷۱	
۹- پیوستگی کل	-۰/۰۰۱	-۰/۰۴۴	۰/۱۲۰	-۰/۱۰۸	۰/۰۶۷	۰/۰۲۱	* ۰/۲۷۹	-۰/۰۵۲

** همبستگی در سطح $p < ۰/۰۱$ آزمون یکسویه معنادار است.

* همبستگی در سطح $p < ۰/۰۵$ آزمون یکسویه معنا دار است.

با توجه به جدول ۱۱، بین پیوستگی مردان و باورهای ارتباطی آنان در دو خرده مقیاس عدم تغییر پذیری همسر و کمال گرایی جنسی به ترتیب در سطح $p < ۰/۰۱$ و $p < ۰/۰۵$ همبستگی معکوس و مستقیم معناداری مشاهده شد. بنا بر ماتریس، بین پیوستگی کل و باورهای ارتباطی کل همبستگی معناداری مشاهده نشد. همچنین باور رابطه ای عدم تغییر پذیری همسر با ۹۹ درصد اطمینان و باور رابطه ای کمال گرایی جنسی با ۹۵ درصد اطمینان در پیوستگی ساختار خانواده (به صورت معکوس) دخیل است.

جدول ۱۲: تحلیل رگرسیون چند متغیره گام به گام پیوستگی مردان بر مبنای خرده مقیاس های باورهای ارتباطی عدم تغییر پذیری همسر و کمال گرایی جنسی

عامل	تغییر رگرسیون در نموده Beta	تغییر ثابت constant	تغییر Beta	مقادیر استاندارد	R	سطح معنی داری
عدم تغییر پذیری همسر در مردان	-۰/۶۵۸	۴۰/۶۳۱	-۰/۴۰۱	۲/۹۷۰	۰/۴۰	۰/۰۰

متغیر پیش بین: باور ارتباطی عدم تغییر پذیری همسر

متغیر ملاک: پیوستگی مردان

با توجه به جدول ۱۲، نمره متغیر پیوستگی مردان فقط از روی متغیر عدم تغییر پذیری همسر در مردان پیش بینی می شود. بین پیوستگی مردان و کمال گرایی جنسی در مردان همبستگی معناداری مشاهده شد. اما در تحلیل رگرسیون گام به گام به دلیل همبستگی و ضریب بتای بسیار کم، از مرحله حذف شد و تجزیه و تحلیل بر مبنای متغیر عدم تغییر پذیری همسر ادامه یافت.

بررسی بین باورهای ارتباطی و سازش پذیری ساختار خانواده

برای بررسی این مسئله ابتدا به طور کلی رابطه متغیرها را بررسی کردیم. بعد رابطه آنها را بین سازش پذیری مردان و سازش پذیری زنان مورد بررسی قرار دادیم.

با توجه به جدول، بین باورهای ارتباطی و سازش پذیری به طور کل رابطه معناداری وجود نداشت؛ اما بین خرده مقیاس عدم تغییر پذیری همسر و سازش پذیری زنان رابطه معناداری در جهت معکوس در سطح $p < 0/05$ مشاهده شد. (جدول شماره ۱۳) بین باورهای ارتباطی و سازش پذیری مردان نیز در خرده مقیاس های عدم تغییر پذیری و کمال گرایی جنسی، به ترتیب همبستگی معکوس و مستقیم در سطح $p < 0/01$ مشاهده شد. (جدول شماره ۱۴) اما به طور کلی، بین باورهای ارتباطی و سازش پذیری مردان رابطه معنی داری مشاهده نشد.

جدول ۱۳: همبستگی بین سازش پذیری زنان و خرده مقیاس های باورهای ارتباطی زنان و باورهای ارتباطی کل

مقیاسها	همبستگی با سازش پذیری زنان
تغییر کنندگی اعتماد	-۰/۰۸۱
توقع ذهن کنونی	-۰/۰۴۷
عدم تغییر پذیری همسر	-۰/۲۰۹ *
کمال گرایی جنسی	۰/۱۳۷
تفاوت های جنسیتی	۰/۱۳۱
باورهای ارتباطی زنان	۰/۰۴۰
باورهای ارتباطی کل	۰/۰۷۰

* همبستگی در سطح $p < 0/01$ آزمون یکسویه معنادار است.

* همبستگی در سطح $p < 0/05$ آزمون یکسویه معنادار است.

جدول ۱۴: همبستگی بین سازش پذیری مردان و خرده مقیاس های باورهای ارتباطی مردان و باورهای ارتباطی کل

مقیاسها	همبستگی با سازش پذیری مردان
تغییر کنندگی اعتماد	-۰/۱۲۳
توقع ذهن کنونی	-۰/۱۴۲
عدم تغییر پذیری همسر	-۰/۳۰۳ **
کمال گرایی جنسی	۰/۲۸۱ **
تفاوت های جنسیتی	۰/۰۲۴
باورهای ارتباطی مردان	-۰/۰۴۱
باورهای ارتباطی کل	-۰/۱۲۹

** همبستگی در سطح $p < 0/01$ آزمون یکسویه معنادار است.

* همبستگی در سطح $p < 0/05$ آزمون یکسویه معنادار است.

جدول ۱۵: تحلیل رگرسیون دو متغیره سازش پذیری زنان بر مبنای خرده مقیاس عدم تغییر پذیری همسر در زنان

عامل	ضریب رگرسیون در متغیر	ضریب ثابت	ضریب تعیین Beta	استاندارد خطای	R	سطح معنی داری
۱- عدم تغییر پذیری همسر در زنان	-۰/۳۰۷	۲۹/۹۳۴	-۰/۲۰۹	۳/۱۲۳	۰/۲۰	۰/۰۳

متغیر پیش بین: باور ارتباطی عدم تغییر پذیری همسر در زنان

متغیر ملاک: سازش پذیری در زنان

با توجه به جدول معادله پیش بین به قرار زیر است:

$$۲۹/۹۳۴ + (نمره عدم تغییر پذیری همسر در زنان) \times -۳/۰۷ = \text{سازش پذیری زنان}$$

یعنی با احتمال بیشتر از ۹۵ درصد در سطح معنی داری $p < ۰/۰۳$ نمره عدم تغییر پذیری زنان ۲۰ درصد نمره سازش پذیری آنان را پیش بینی می کند.

جدول ۱۶: تحلیل رگرسیون چند متغیره گام به گام سازش پذیری مردان بر مبنای خرده مقیاس های عدم تغییر پذیری مردان و کمال گرایی جنسی آنان

عامل	ضریب رگرسیون در متغیر	ضریب ثابت	ضریب تعیین متغیرهای اجزای معیار Beta	استاندارد خطای	همبستگی R	سطح معنی داری
عدم تغییر پذیری مردان	۰/۳۶۵	۳۳/۳۱۰	۰/۳۰۳	۲/۲۶۳	a ۰/۳۰۳	۰/۰۲
عدم تغییر پذیری مردان	۰/۳۲۴	۲۵/۰۳۷	۰/۲۷۰	۲/۵۷۹	b ۰/۳۸۸	۰/۰۱
کمال گرایی جنسی مردان	۰/۳۵۸		۰/۲۴۴			

متغیر پیش بین: کمال گرایی جنسی و عدم تغییر پذیری همسر در مردان

متغیر ملاک: سازش پذیری مردان

ضریب همبستگی وقتی که مدل ۱ یعنی عدم تغییر پذیری همسر در مردان در رگرسیون اعمال می شود، برابر است با $R = ۰/۳۰۳$ ؛ اما هنگامی که مدل دوم اعمال می شود، یعنی متغیر دیگری به نام کمال گرایی جنسی وارد می شود، ضریب همبستگی به $R = ۰/۳۸۸$ افزایش می یابد. با توجه به جدول معادله پیش بین عبارت است از:

$$۲۵/۰۳۷ + (نمره عدم تغییر پذیری مردان) \times -۰/۳۲۴ - (نمره کمال گرایی جنسی مردان) \times ۰/۳۵۸ = \text{سازش پذیری مردان}$$

آنچه که از جدول استنباط می شود با احتمال ۹۸ درصد عامل عدم تغییر پذیری همسر تا ۳۰ درصد نمره سازش پذیری مردان را پیش بینی می کند، البته اگر عامل کمال گرایی جنسی او را همراهی کند؛ در غیر این صورت او به تنهایی فقط ۲۷ درصد از متغیر ملاک را می تواند پیش بینی کند.

بررسی بین باورهای ارتباطی و سازگاری زناشویی

جدول ۱۷: همبستگی بین خرده مقیاس های باورهای ارتباطی و سازگاری زناشویی در زنان

مقیاس ها	سازگاری زناشویی زنان
تکریب کنندگی اختلاف زنان	-۰/۰۱۹۰
توقع ذهن خوانی زنان	-۰/۱۳۴
عدم تغییر پذیری همسر زنان	-۰/۳۴۳ **
کمال گرایی جنسی زنان	۰/۰۹۷
تفاوت های جنسیتی زنان	۰/۰۱۴
باورهای ارتباطی زنان	-۰/۲۲۳ *
باورهای ارتباطی کل	-۰/۲۳۱ *

** همبستگی در سطح $p < ۰/۰۱$ آزمون یکسویه معنادار است.

* همبستگی در سطح $p < ۰/۰۵$ آزمون یکسویه معنادار است.

جدول ۱۸: همبستگی بین خرده مقیاس های باورهای ارتباطی و سازگاری زناشویی در مردان

مقیاس ها	سازگاری زناشویی مردان
تکریب کنندگی اختلاف مردان	-۰/۲۳۵ *
توقع ذهن خوانی مردان	-۰/۰۱۹
عدم تغییر پذیری همسر مردان	-۰/۴۱۴ **
کمال گرایی جنسی مردان	۰/۱۲۶
تفاوت های جنسیتی مردان	-۰/۱۹۷ *
باورهای ارتباطی مردان	-۰/۲۹۳ **
باورهای ارتباطی کل	-۰/۲۰۱ *

** همبستگی در سطح $p < ۰/۰۱$ آزمون یکسویه معنادار است.

* همبستگی در سطح $p < ۰/۰۵$ آزمون یکسویه معنادار است.

جدول ۱۹: تحلیل رگرسیون چند متغیره گام به گام سازگاری زناشویی زنان بر مبنای خرده مقیاس عدم تغییر پذیری همسر در زنان

عامل	ضریب رگرسیون در نمونه Beta	ضریب ثابت constant	ضریب تعیین Beta	خطای استاندارد	R	سطح معنی داری
عدم تغییر پذیری همسر در زنان	-۱/۳۷۰	۷۶/۵۴۹	۰/۳۴۳	۸/۱۵۶	۰/۳۴۳	۰/۰۰۰

متغیر پیش بین: باور ارتباطی عدم تغییر پذیری همسر در زنان
متغیر ملاک: سازگاری زناشویی زنان

با توجه به جدول ۱۹، معادله پیش بین برای سازگاری زناشویی برابر است با:

$$۷۶/۵۴۹ + (نمره عدم تغییر پذیری همسر در زنان) \times -۱/۳۷۰ = \text{سازگاری زناشویی زنان}$$

با احتمال ۱۰۰ درصد این گونه از جدول استنباط می شود که به ازای یک انحراف معیار تغییر در متغیر عدم تغییر پذیری همسر در زنان، نمره سازگاری زنان ۳۴ درصد انحراف معیار، تغییر می کند. البته عامل باورهای ارتباطی نیز در بین زنان در سازگاری زناشویی دخیل است که به علت تأثیر بسیار کم آن در رگرسیون قدم به قدم، جزء داده های حذفی محسوب شد. ضریب تعیین بتای باورهای ارتباطی زنان برابر با ۰/۰۴ بود.

جدول ۲۰: تحلیل رگرسیون چندگانه سازگاری زناشویی مردان بر مبنای خرده مقیاس عدم تغییر پذیری همسر در مردان و تفاوت های جنسیتی در مردان

عامل	ضریب رگرسیون در نمونه Beta	ضریب ثابت constant	ضریب تعیین Beta	خطای استاندارد	R	سطح معنی داری
عدم تغییر پذیری همسر در زنان	-۱/۳۷۰	۷۶/۵۴۹	۰/۳۴۳	۸/۱۵۶	۰/۳۴۳	۰/۰۰۰

متغیر پیش بین: باور ارتباطی عدم تغییر پذیری همسر در مردان

متغیر ملاک: سازگاری زناشویی مردان

البته متغیرهای دیگری مانند تفاوت های جنسیتی و نمره کل باورهای ارتباطی مردان در این همبستگی دخیل بودند، ولی به دلیل تأثیر بسیار کم آنان از معادله رگرسیون گام به گام حذف شدند. بنابراین با توجه به ضریب تعیین بتای یک انحراف معیار تغییر در متغیر عدم تغییر پذیری همسر در مردان، ۰/۴۱ انحراف معیار تغییر در متغیر سازگاری زناشویی مردان را پیش بینی می کند.

بحث و نتیجه گیری

بررسی بین باورهای ارتباطی و پیوستگی ساختار خانواده

همان طور که پیش از این بدان اشاره شد، بررسی این مسئله هم بین آزمودنی های زن، هم بین آزمودنی های مرد و هم به طور کل صورت گرفت. در بین آزمودنی های زن بین پیوستگی و خرده مقیاس عدم تغییر پذیری همسر و تفاوت های جنسیتی و در گروه مردان، بین خرده مقیاس های عدم تغییر پذیری همسر و کمال گرایی جنسیتی رابطه معنادار به ترتیب در سطوح $p < ۰/۰۵$ و $p < ۰/۰۱$ مشاهده شد. به علاوه، با استفاده از تحلیل رگرسیون چند متغیره گام به گام مشاهده شد که در خرده مقیاس باورهای غیر منطقی، اعتقاد به عدم تغییر پذیری همسر و باورهای ارتباطی تفاوت های جنسیتی،

۲۳ درصد پیوستگی زنان و خرده مقیاس عدم تغییر پذیری همسر در مردان ۴۰ درصد از پیوستگی را پیش بینی می‌کند: $p < 0/01$.

به عبارت دیگر، در صورت یکسان بودن سایر عوامل، می‌توان پیوستگی نامتعادلی را برای زنان و مردان دارای نمرات بالا در این خرده مقیاس‌ها پیش بینی نمود.

در خصوص تفسیر هر چه بیشتر این یافته‌ها می‌توان به یافته‌های اولسون (۲۰۰۰) اشاره کرد. پیوستگی عبارت است از: پیوند عاطفی اعضای خانواده نسبت به یکدیگر. بسیاری از متغیرها و مفاهیمی که برای سنجش پیوستگی خانواده مورد استفاده قرار می‌گیرد، عبارت‌اند از: پیوند عاطفی، مرزها، اتحاد، هاء، زمان، فضا، دوستان، شیوه تصمیم‌گیری، علائق و واکنش‌ها. این سازه در اصل به تعادل اعضای خانواده در حد فاصل جدایی و با هم بودن زوج (اتفاق) مربوط می‌شود. سطح متعادل این بعد - جدا شده و پیوسته - و سطوح افراطی آن، گسسته (خیلی پایین) و در هم تنیده (خیلی بالا) نامیده می‌شود. افراد متعادل در عین استقلال، پیوستگی خود را با خانواده هایشان حفظ می‌نمایند. هنگامی که سطوح پیوستگی خیلی بالاست (سیستم‌های در هم تنیده) توافق و همراهی بسیار بالا و استقلال بسیار کم است. نوع دیگر این افراط (سیستم‌های گسسته) خانواده‌هایی‌اند که گرچه از حوزه‌های شخصی برخوردارند، لیکن دلبستگی و تعهد آنها نسبت به خانواده بسیار پایین و ناچیز است. زوجین و خانواده‌های متعادل (نوع مستقل و پیوسته) در طی چرخه زندگی کارآمدتر و موثرترند، به ویژه در یک رابطه جدا شده، گرچه جدایی عاطفی وجود دارد، اما این جدایی به اندازه یک سیستم گسسته نیست، درحالی‌که مدت زمان جدا بودن مهم است. بخشی از زمان نیز به با هم بودن، تصمیم‌گیری مشترک و حمایت زناشویی اختصاص می‌یابد. فعالیت‌ها و علائق گرچه جدای از هم است، اما بخش مشترک کوچکی نیز دارند. گپ گوردون (۲۰۰۰) نیز در تحقیقی به این نکته صحنه گذاشته است که همسو نبودن این فعالیت‌ها و علائق و در واقع مدیریت نکردن این اختلاف‌ها و نیز شیوه حل مشکلات در بر هم خوردن و یا نامتعادل کردن پیوستگی زوجین دخیل است. از این رو، پیامدهای آن به صورت ناسازگاری زوجین و طلاق قابل لمس است.

از نظر شناختی - رفتاری‌ها، فقدان مهارت‌های ارتباطی، داشتن طرحواره‌های نادرست که منجر به تشکیل باورهای غیرمنطقی چه در بعد فردی و چه در بعد رابطه‌ای نیز باعث بر هم خوردن بعد عاطفی و صمیمیت زوجین شده و همچون خوره به جان پیوستگی متعادل خانواده می‌افتد (گاتمن، ۲۰۰۵).

در یک ارتباط پیوسته که نزدیکی عاطفی و فداکاری وجود دارد، زمان با هم بودن بیش از تنهایی اهمیت دارد. تاکید عمده بر باهم بودن است. زوجین دوستان جداگانه دارند، اما دوستان مشترکی نیز دارند. علائق مشترک همراه با فعالیت‌های جداگانه در این سیستم‌ها رایج است؛ اما در یک ارتباط درهم تنیده، میان اعضای خانواده نزدیکی و یگانگی عاطفی بسیار افراطی و فداکاری حاکم است. افراد بسیار وابسته به یکدیگر و نسبت به هم بسیار واکنش‌پذیرند و جدایی شخصی (حوزه‌های شخصی جداگانه) وجود ندارد (اولسون، ۲۰۰۰) - داتیلیو (۲۰۰۵) نیز طرحواره‌ها و افکار اتوماتیک را در سازگاری زناشویی و کارکرد خانواده موثر دانسته است.

وجود تفاوت‌های جنسیتی در همه ابعاد زندگی و از جمله در روابط زناشویی و عملکرد اعضای خانواده مؤثر است. وجود احساس طرد شدگی و رهایی در زنان و احساس گرفتاری و اسارت در مردان همواره از جمله نگرانی‌های ذهنی زوجین جوان بوده که به نحوی در کارآمدی زندگی آنها موثر بوده است (پارکر، ۱۹۹۸). استرید (۱۹۹۹) نیز در پژوهشی به این نتیجه رسید که جنسیت و سطح تحصیلات پیش‌بینی‌کننده‌های مناسبی برای ادراکات زوجین از یک خانواده ایده‌آل‌اند. وجود طرحواره‌ها و باورهای غیرمنطقی نیز بر هم زنده کارکرد خانواده و سازگاری زناشویی است. (فقیرپور، ۱۳۸۰؛ صادقی فرد، ۱۳۸۰؛ تختی، ۱۳۸۰؛ مومن زاده، ۱۳۸۱). در معنادار نبودن سایر خرده مقیاس‌ها به فاکتورهایی از قبیل جنسیت، سن شرکت‌کنندگان، شغل، سطح تحصیلات و نیز از همه مهم‌تر فرهنگ افراد می‌توان اشاره نمود. از آنجا که این پرسشنامه‌ها مطابق با فرهنگ کشورهای اروپایی ساخته شده است - با وجود اینکه در ایران استاندارد شده

است - باز هم ممکن است عبارت‌های پرسشنامه از نظر فرهنگی با آزمودنی‌ها همخوانی نداشته است. کما اینکه این اختلاف در بین شرکت کنندگان اروپایی - آمریکایی و نیز بین آفریقایی - آمریکایی بخصوص در بین باورهای رومانیک کاملاً مشهود بوده است. (ویور، گانونگ، ۲۰۰۴). در مورد وجود ارتباط بین اعتقاد به عدم تغییر همسر و پیوستگی در کارکرد خانواده، می‌توان به این نکته نیز استناد نمود که چسبیدن به این اعتقاد باعث بسته شدن همه راه‌های گذشت و اغماض می‌شود. فرصت قائل شدن برای دیگران برای جبران خطاها و اشتباهات می‌تواند آثار بخشودگی و در نهایت رضامندی خانواده و روابط زناشویی را فراهم نماید.

عفو و بخشش در اصلاح افکار، احساسات و رفتار افراد موثر است و سبب بهبود روابط با دیگران می‌شود (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۱). رابطه بین بخشش و سلامت روانی زوجین نیز در تحقیقات متعدد به اثبات رسیده است (سیف، بهاری، ۱۳۸۰). نتایج حاکی از این است که بین بخشش و سلامت روانی در زوجین رابطه معنی دار، بین مدت زمان ازدواج و میزان بخشش رابطه معکوس و همچنین بین سن و میزان بخشش زوجین رابطه معنی دار وجود دارد. از آنجا که اکثر شرکت کنندگان، جوان و ۲۸ درصد آنان سال اول ازدواج خود را سپری کرده بودند، تحقق چنین نتیجه‌ای دور از انتظار نبود.

در خصوص معنی دار نبودن رابطه بین خرده مقیاس‌های دیگر باورهای ارتباطی با پیوستگی در کارکرد خانواده می‌توان به عوامل دیگر از قبیل داشتن فرزند در سنین ۱۷ تا ۱۰ سال (یاها، ۲۰۰۲) مشکلات خلقی فرزندان و خود اعضا همچون: افسرده بودن آنان (کاشانی و همکاران، ۱۹۹۵) به نقل از بهفر، ۱۳۸۲) نیز اشاره نمود. میزان چسبیدن به باورهای غیر منطقی در بعد فردی بیشتر از باورهای غیر منطقی مختص رابطه در عملکرد خانواده و از جمله کارکرد زناشویی دخیل است (ایدلسون و اپستین، ۱۹۸۱) به نقل از سیف، ۱۳۸۲).

بررسی بین باورهای ارتباطی و سازش پذیری ساختار خانواده

برای بررسی این مسئله نیز ابتدا در سطح جنسیتی و سپس به طور کل اقدام شد. رابطه بین باورهای ارتباطی زنان و بعد سازش پذیری زنان در خرده مقیاس عدم تغییر پذیری همسر و در گروه مردان نیز در همین خرده مقیاس و خرده مقیاس کمال‌گرایی جنسی به ترتیب در سطح $p < 0.05$ و $p < 0.01$ معنی‌دار بوده است.

سازش پذیری (انعطاف پذیری) خانواده عبارت است از: میزان تغییر در رهبری خانواده، روابط، نقش‌ها و قوانین مربوط به ارتباط. مفاهیم اختصاصی عبارت‌اند از: رهبری (کنترل، انضباط) سبک‌های مذاکره، روابط، نقش‌ها و قوانین ارتباط. در واقع نکته اصلی انعطاف پذیری اینجاست که سیستم‌ها چگونه بین ثبات و تغییر تعادل می‌یابند. چهار سطح آن عبارت‌اند از: انعطاف ناپذیر (خیلی پایین)، ساخت یافته (پایین تا متوسط)، منعطف (متوسط تا بالا) و آشفته (بسیار بالا). دو سطح آشفته و انعطاف ناپذیر مشکل ساز هستند و دو بعد دیگر متعادل تلقی می‌شوند. پیش از این، گرایش خانواده‌ها به انعطاف پذیری متمایل بود، اما طی سال‌های اخیر اهمیت نیروی بالقوه برای تغییر کاهش پیدا کرد. زوجین و خانواده‌ها هم به ثبات، هم به تغییر نیازمندند و توانایی تغییر یافتن به هنگامی که مناسب تشخیص داده شود، زوجین و خانواده‌های کارآمد را از زوجین و خانواده‌های ناکارآمد جدا می‌سازد (Olson, 2000).

یک ارتباط منعطف با نوعی سبک رهبری برابرنگر و رویکرد دموکراتیک برای تصمیم‌گیری شناخته می‌شود که در آن حلقه‌های مذاکره باز است و شرکت‌فراوانی بچه‌ها را می‌طلبد. نقش‌ها مشترک‌اند و تغییرات سیالی نیز به هنگام ضرورت صورت می‌گیرد. قوانین می‌توانند تغییر کنند و با سن نیز تناسب دارند. سیستم‌های نامتعادل، انعطاف ناپذیر یا آشفته‌اند. ارتباط انعطاف ناپذیر آنجاست که یک نفر در رأس قرار گرفته و به شدت کنترل‌کننده است. مذاکرات بسیار محدود است، ضمن اینکه بیشترین تصمیم‌ها را رهبر به تنهایی می‌گیرد. نقش‌ها به شدت تعریف شده‌اند و قوانین نمی‌توانند تغییر کنند. یک ارتباط آشفته را رهبری محدود و سرگردان و غیر قابل پیش‌بینی آن مشخص می‌سازد. تصمیم‌ها تکانشی‌اند و به هیچ روی، سنجیده نیستند. نقش‌ها نامشخص‌اند و اغلب از شخصی به شخص دیگر تغییر می‌کنند. از جمله

عواملی که می‌تواند در این افراطی بودن دخیل باشد، ویژگی‌هایی از قبیل فرهنگ، نژاد و سایر ویژگی‌های فردی زوجین است (Ibid).

به دلیل ماهیت پویای مدل، تغییر در یکی از ابعاد پیوستگی یا سازش پذیری اغلب به صورت مواج بر دیگری تاثیر می‌گذارد. در بعد پیوستگی مشکلات خانواده به این دلیل است که نمی‌توانند بین خودمختاری و با هم بودن (صمیمیت) تعادل یابند. در بعد انعطاف پذیری و یا سازش پذیری، این مشکلات حول محور تعادل بین ثبات و تغییر می‌چرخد. این روابط می‌تواند بسیار آشفته، بی‌نظم و یا بسیار انعطاف‌ناپذیر باشد. در نظام‌های انعطاف‌ناپذیر، فهرست رفتاری، بسیار محدود است. هنگامی که با استرس بیشتری برخورد می‌کنند، بیشتر انعطاف‌ناپذیر می‌شوند. چنین خانواده‌هایی اغلب از برنامه‌هایی که به آنها کمک می‌کند تا در تصمیم‌گیری‌ها بیشتر به شیوهٔ دموکراتیک رفتار کنند و نیز مهارت‌های حل مسئله را بهتر بیاموزند، سود می‌برند. از طرف دیگر، روابط آشفته و بی‌نظم نیاز به ساختار دارند و از شیوه‌های حل مسئله پیشرفته، استفاده لازم خواهند برد. افزایش مهارت‌های مثبت در زوجین و خانواده‌ها می‌تواند فرایند تغییر را تسهیل نماید (Ibid). خانواده‌های مشکل‌دار اغلب به این نیاز دارند که شیوه‌های ابراز وجود و بیان خواسته را در میان خود یاد بگیرند. برای دستیابی به این مهارت می‌توان چگونگی ابراز احساسات به شیوهٔ سازنده و نیز گوش دادن و ارائهٔ بازخورد همدلانه به یکدیگر را به آنها آموزش داد. گرچه مهارت‌های ارتباطی پیشرفته در یک خانواده ضروری است، اما به نظر نمی‌رسد برای تغییر در ابعاد پیوستگی و انعطاف پذیری کافی باشد.

مهارت‌های ارتباطی می‌تواند میزان آگاهی افراد را در نیازها و اولویت‌های کنونی خانواده افزایش دهند. تغییر در ابعاد پیوستگی و سازش پذیری دشوارتر و پیچیده‌تر است. داشتن مهارت‌های ارتباطی خوب خانواده‌ها را قادر می‌سازد تا به طور واضح و روشن نوع روابطی را که در هر یک از این ابعاد خواستارند، بروز دهند (Ibid). نتیجهٔ این تحقیق در معنا دار نبودن سایر خرده مقیاس‌های باورهای ارتباطی با سازش پذیری با نتایج تحقیقات افرادی همچون: ایساک، ۲۰۰۴؛ والر و اسپیگلر، ۲۰۰۵؛ استراد و اچرواریا، ۱۹۹۹ همسو بوده است. وی همچنین ادعا می‌کند که تفاوت‌هایی در جنسیت، سن، عوامل بیولوژیک، سطح تحصیلات، شغل، تفکرات، ارزش‌ها، شکل، سیستم معنایی و فلسفی و سبک‌های ارتباطی در زوجین در زندگی مشترک و کارکرد خانوادهٔ آنها نیز دخیل بوده و تاثیر گذار است.

سبک‌های دلبستگی هر یک از زوجین (بارکر، ۱۹۹۸) تجربیات هیجانی آنها (یلما و مارو، ۲۰۰۳) سن کم و پایین بودن مدت زمان زندگی مشترک زوجین با یکدیگر (استنلی و مارکمن، ۲۰۰۵) صفات شخصیتی خاص (بوچارد، ۱۹۹۹) و تجربیات و تاثیراتی که هر یک از زوجین از خانواده‌های اصلی خود با زندگی مشترک انتقال داده‌اند (سبائیلی، ۲۰۰۳) همگی در موفق بودن کارکرد خانواده‌ها دخیل‌اند.

بررسی بین باورهای ارتباطی و سازگاری زناشویی

برای بررسی فرضیهٔ تأثیر باورهای ارتباطی بر سازگاری زناشویی، سطح معناداری را به تفکیک جنسیت مورد بررسی قرار دادیم. تفاسیر با توجه به جداول شمارهٔ ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ تحلیل می‌شود. در سطح $p < 0/01$ بین باورهای ارتباطی زنان و سازگاری زناشویی آنان و در سطح $p < 0/05$ بین باورهای ارتباطی مردان و سازگاری زناشویی آنان رابطهٔ معنی‌دار مشاهده شد. در این میان، بیشترین سطح رابطه و پیش‌بینی، چه در بین زنان و چه در بین مردان، در خرده مقیاس باور به عدم تغییر پذیری همسر بود. متغیر یاد شده، در بین گروه زنان ۳۴ درصد و در بین گروه مردان ۴۱ درصد سازگاری را پیش‌بینی می‌کند.

به عقیدهٔ اپستین (۱۹۸۶) نافذترین و پایدارترین متغیرهای شناختی که در ناراحتی زناشویی نهفته می‌باشد، باورهای افراطی دربارهٔ خود شخص، شریک زندگی و ماهیت تعاملات زناشویی است. سایر صاحب‌نظران نشان داده‌اند که چسبیدن به ضوابط یا باورهای غیر واقعی توسط هر یک از دو شریک زندگی احتمالاً به ناراحتی، آرزویی و ناراضی زناشویی می‌انجامد (الیس و هارپر، ۱۹۷۵؛ اپستین و ایدلسون، ۱۹۸۱، به نقل از سیف، ۱۳۸۲). تحقیقات شناختی - رفتاری به طور مکرر به نقش انواع طرحواره‌ها که زیربنای

شناخت‌ها و باورها را تشکیل می‌دهد و نیز نقش اسنادها و باورها در سازگاری و به سامان بودن روابط زناشویی اشاره داشته است.

گاهی باورهای مختص رابطه باعث افزایش سازگاری زناشویی می‌شود. ایدلسون و اپستین (۱۹۸۱) همبستگی افتراقی سه باور فرد محورانه و سه باور مختص رابطه را با رضایت زناشویی در نمونه‌ای از زوج‌هایی که در درمان زناشویی شرکت نموده‌اند، بررسی کردند. یافته‌های به دست آمده حاکی از آن است که هر سه باور ناکارساز فرد محورانه در پیش‌بینی نمرات سازگاری زناشویی، معنی‌داری آماری کمی داشته و هنگامی که با استفاده از تحلیل رگرسیون چند گانه، باورهای مختص رابطه نیز وارد شد، به طور معنی‌داری سازگاری زناشویی افزایش یافت. دبور و رومانس (۱۹۹۶) نیز به این نتیجه دست یافتند که باورهای مختص رابطه با سازگاری زناشویی همبستگی معنی‌دار مثبت داشتند (نقل از سیف، ۱۳۸۲).

در واقع، آنان این گونه استنباط کردند که باورهای ناکارساز مختص رابطه در بین زوجین سازگار بیشتر از زوجین ناسازگار است و تبیین آنها در این موضوع، تحریف ادراکی بیشتر در مورد افرادی است که احساساتشان نسبت به طرف مقابل بیشتر است. البته آنها بارها اذعان کرده‌اند که نتایجشان با تحقیقات دیگر مغایر است.

نتایج این تحقیق همسو با مولر (۱۹۹۱) و ویرکلر (۱۹۹۸) است که معتقد بودند باور به تخریب‌کننده بودن مخالفت و کمال‌گرایی جنسی در سازگاری زناشویی موثر است و در بین آنها رابطه معنی‌داری وجود دارد. فینچام و برادبوری، به نقل از ویرکلر (۱۹۹۸) بیان می‌دارند که نگرش‌ها و تفاسیری که زوجین از رفتارهای همدیگر دارند، در سازگاری زناشویی آنها تاثیر گذار است.

تحقیقات داخلی در خصوص عوامل موثر بر سازگاری زناشویی، اعتیاد شوهر، عدم تفاهم اخلاقی، سن کم، سطح تحصیلات پایین و نیز انواع باورهای غیر منطقی فردی را دخیل دانسته‌اند (صادق فرد، ۱۳۸۰). فقیر پور (۱۳۸۰) نیز عدم توافق زوجها را که تحت تاثیر مهارت‌های رفتاری - ارتباطی و مهارت حل مسئله در سازگاری دخیل می‌داند. مومن زاده (۱۳۸۱) در پژوهشی باورها و نگرش‌های غیر منطقی را در سازگاری زناشویی موثر دانست و بسته به نوع باور، متغیرهایی چون سن، جنسیت، میزان تحصیلات و پایگاه‌های اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی زوجها را نیز دخیل تشخیص داد.

منابع :

- ۱- اسودی، مریم (۱۳۷۹) «نقش تصورات قالبی جنسیتی». پایان نامه کارشناسی (چاپ نشده)، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۲- بارکر، فیلیپ (۱۳۷۵) خانواده درمانی پایه. محسن دهقانی و زهره دهقانی. تهران: انتشارات رشد
- ۳- بهفر، زهرا (۱۳۸۲) «تاثیر کارکرد خانواده بر اختلالات درون‌ریزی دختران نوجوان و مقایسه کارکرد خانواده‌های آسیب دیده و عادی». پایان نامه کارشناسی ارشد (چاپ نشده)، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۴- سیف، سوسن و بهاری (۱۳۸۳) «بررسی ویژگی‌های روانسنجی و پرسشنامه باورهای غیرمنطقی مختص رابطه». چاپ نشده، دانشگاه الزهراء.
- ۵- صادقی فرد (۱۳۷۵) «بررسی و مقایسه باورهای غیرمنطقی در زنان مراجعه کننده به دادگاه‌های عمومی با زنان عادی در شهرستان بندر عباس». پایان نامه کارشناسی ارشد (چاپ نشده)، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۶- فقیرپور، مقصود (۱۳۸۰) «نقش مهارت‌های اجتماعی در سازگاری زناشویی و طراحی یک مدل آموزشی و ارزشیابی آن». پایان نامه کارشناسی ارشد (چاپ نشده)، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۷- مظاهری، محمد علی (۱۳۷۹) «نقش دلبستگی بزرگسالان در کنش وری ازدواج». مجله روانشناسی. سال چهارم، شماره سوم.
- ۸- مومن زاده، فرید (۱۳۸۱) «ارتباط تفکرات غیرمنطقی و الگوهای وابستگی با سازگاری زناشویی». پایان نامه کارشناسی ارشد (چاپ نشده)، دانشگاه شهیدبهبشتی.
- ۹- وایزمن، بوریس - لوی، استروس (۱۳۷۶) قدم اول. رحمانیان. چاپ اول، انتشارات شیرازه
- ۱۰- وایلز، موریس (۱۳۸۲) «هفت آسمان». عبدالرحیم سلیمانی. فصلنامه تخصصی ادیان و مذاهب، سال پنجم، شماره هجدهم.
11. Buchard, lussier & Gehnirier (2000) "Personality and Marrital adjustment: utility of five- factor model of personality". Journal of marrige.
12. Dattilio, M. frank (2005) Cognitive behavior strategies with couples and families. Pennsylvania
13. Edelson, R. S. & Epestein, N. (1982) "Cognition and relationship: maladjtment development of a measure of disfunctional relationship believes". Journal of counseling and clinical psychology. 50.
14. Estrada, Diane; Echerrvarria, silvia; Rafuls, Peter & sherrard, A. D. (1999) "Perception of family of origin cohesion and Adoptability: Differences between males and females". Journal of feminist family therapy. 11 (86).
15. Geler, E. R. (1993) "Parents, Families and couples". Elementary counseling. 27 (4).
16. Jacobson, N. S; Waldron, H. & Moore. D. (1980) "Toward a behavioral profile of marital distress". Journal of counseling and clinical psychology. 49.
17. Marian, M. Morry (2003) "Perceived Locus of Control and Satisfaction in Same-sex

Friendships". Journal of relationships. 10.

18. Olson ,D.H. (2000) "**Circumplex model of marital and family systems**". Journal of family therapy. 27(2).
19. Olson, David. H & olson, Amyk (1999) **Preventive Approaches in Couples therapy**. Taylor, francis Pub.
20. Olson , David et al (1989) **Families: what makes them work**. New york: Hamilton
21. Olson. D.H. (1996) "**clinical assessment and treatment interventions using the family circumplex model**. In **F-W. Kaslow**" (ed). Hand book of relational diagnosis on disfunctional family Patterns .
22. Sabatili, Ranald & Bartele, (2003) "**Family of origin Experiences and adjustment**" in married couples and the family. 65(1).
23. Schamaling, K.B. & Joacobson, N.S.(1990) "**Marital interaction and despression**". Journal of Abnormal psychology. 99
24. Shek, D.T.L. (2002) "**family function and Psychological well-being school adjustment and Problem Behavior in Chinese adolescents with and without economic disadvantage**". Journal of Genetic psychology. 163(4).
25. Stanley, M; Scatt, Markamn & Howard, J.(2005) "**Acting on what we Know: the hope of Prevention**". Web: coalition for marriage, family and couples Education.
26. Wirkler.I.(1998) **child and family assessment**. Routledge, Publishing co.
27. Wood, B.(1996) **A developmental biopsychosocial approach to the treatment of chronic illness in children and adolescents in R**.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز
پښتونستان ښار علمي مرکز